

مروری بر رایحه‌درمانی در ایران باستان

سمانه السادات ملک ثابت^{۱*}، حمید کاویانی پویا^۲، محمد حسن نجفی^۳، اعظم سیامک دستجردی^۴

مقاله‌ی مروری

چکیده

امروزه، رایحه‌درمانی به‌عنوان یکی از روش‌های طب مکمل بسیار پرکاربرد است. مطالعه‌ی تاریخ پزشکی نشان از سابقه‌ی تاریخی این روش درمانی در تمدن‌های باستانی از جمله تمدن باستانی ایران به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین روش‌های ضدعفونی و درمانی دارد. در این مقاله‌ی مروری سعی شد با مطالعه‌ی متون مذهبی و آثار مکتوب باقی‌مانده از ایران باستان که بیش‌تر به زبان پهلوی هستند و در تاریخ ایران شواهدی مبنی بر استفاده از این روش درمانی ارائه شده‌است، به این پرسش که رایحه‌درمانی چه جایگاهی در پزشکی ایران باستان دارد پاسخ داده شود.

طبق باورهای ایرانیان، بیماری فرآورده‌ای اهریمنی بود و اهریمن و دیوان گناک مینو در ایجاد بیماری عامل اصلی به‌شمار می‌رفتند که یکی از ویژگی‌های این موجودات پلید، بوی بد و پلشتی آن‌ها بود. بر این اساس، ایرانیان نیز با توسل به گیاهان و رعایت برخی اصول بهداشتی سعی در زدودن بیماری‌ها داشتند. آن‌ها به‌دلیل این‌که عوامل انتقال بیماری را پلشتی‌ها و بوی بد و هوای نامطبوع می‌دانستند، با توجه به آموزه‌ای دینی که نیروهای اهورایی را خوش‌بوی می‌پنداشت، در همگامی با نیروهای اهورایی از رایحه‌ی خوش استفاده کرده و از مواد و گیاهان و چوب‌های خوش‌بو به گونه‌های مختلف برای از بین بردن عوامل بیماری (در پیش‌گیری) و درمان برخی بیماری‌های جسمی و روانی بهره می‌بردند.

واژگان کلیدی: رایحه‌درمانی، عطرها، تاریخ عطر، متون پهلوی، ایران باستان

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۲ استادیار، عضو هیأت علمی، رشته تاریخ دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

^۳ دانشجوی PhD طب سنتی، دانشکده‌ی طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهرکرد، چهارمحال بختیاری، ایران

* **نشانی:** یزد، میدان باهنر، ابتدای بلوار شهید صدوقی، ساختمان ستادی علوم پزشکی شهید صدوقی، طبقه سوم، دفتر روابط عمومی، تلفن:

Email: samamalek@gmail.com، ۰۹۱۳۰۰۲۶۳۸۵

مقدمه

آروماتراپی^۱ یا «رایحه‌درمانی» به یکی از علوم کهن اطلاق می‌شود که در آن با استفاده از عطر و بویی که از عصاره‌ی قسمت‌های مختلف گیاهان به دست می‌آورند به درمان جسمی و روحی اشخاص می‌پردازند. امروزه، این علم به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم علم پزشکی و طب مکمل قلمداد می‌شود و نتیجه‌ی آن بهبودی، ایجاد آرامش، و تأمین انرژی بالا در عموم افراد است.

روغن‌های خاص نقش مهمی در درمان پزشکی مدرن ایفا می‌کنند. در اروپا بسیاری از پزشکان خواص دارویی گیاهان شفابخش را مد نظر داشته و در درمان بیماران خود از آن استفاده می‌کنند حتی اکنون دولت‌ها و بیمه‌های خدمات درمانی اکثر کشورهای اروپایی، رایحه‌درمانی را به‌عنوان یکی از شاخه‌های درمان بیماران پذیرفته‌اند (۱).

ریشه‌ی رایحه‌درمانی را باید در زمانی جست‌وجو کرد که فرهنگ‌های بشری پا به‌عرصه‌ی وجود گذاشتند. برخی از انسان‌شناسان معتقدند که ظهور فرهنگ‌های بشری را می‌توان هم‌زمان با پدیدآیی انواع آیین‌ها دانست. جالب آن‌که استفاده از مواد خوش‌بو نیز هم‌زمان با انجام انواع آیین‌هاست؛ آیین‌هایی که جهت عبادات، مداوای بیماران و جشن‌ها به‌کار برده می‌شد. تاریخچه‌ی علم رایحه‌درمانی را به مصریان و تمدن باستانی آن نسبت می‌دهند (۲)، اما در بسیاری از آثار به‌جا مانده در تمدن بین‌النهرین نیز می‌توان نشانه‌هایی از وجود این روش درمانی را مشاهده کرد. وجود عطرها و بوییدنی‌ها در تمدن باستانی ایران نیز نشان از وجود این روش در کنار سایر روش‌های درمانی کهن دارد که در ادامه‌ی این مقاله این نشانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ایران باستان به تمدن‌های فارسی پیش از اسلام که قبل از حمله‌ی اعراب در سال ۶۳۷ میلادی وجود داشته متعلق است.

سه سلسله‌ی اصلی ایران بزرگ در آن دوره حکومت می‌کردند: هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد)، اشکانی (۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) و ساسانیان (۲۲۴ - ۶۳۷ میلادی) (۳).

اهمیت این روش تا اندازه‌ای است که دنیای پزشکی به‌عنوان یک رشته‌ی مجزا به آن پرداخته و کتاب‌ها و مقالات زیادی در این زمینه تألیف شده است. این اهمیت، سبب شد تا بررسی پیشینه‌ی آن نیز مورد توجه نویسندگان این مقاله قرار گیرد.

پژوهش حاضر که به‌صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته‌است، سعی دارد با ارائه‌ی شواهدی از متون برجای مانده‌ی پهلوی، به‌ویژه متون دینی، مذهبی و شناخته شده و نیز مرور تاریخ ایران، جایگاه رایحه‌درمانی و استفاده از این روش مکمل را در پزشکی باستان ایران بررسی کرده و به سؤال‌هایی نظیر جایگاه عطر و رایحه‌های خوش در ایران باستان و نیز نحوه‌ی کاربرد آن در سلامتی پاسخ دهد. باید گفت پیش از این پژوهشی به‌طور مستقل به بررسی جایگاه بوی خوش در ایران باستان و درمان‌های باستانی نپرداخته است.

تعریف رایحه‌درمانی یا آروماتراپی

واژه‌ی آروماتراپی از دو تک‌واژه‌ی آروما^۲ به‌معنای عطر/بو و تراپی^۳ به‌معنای درمان/معالجه تشکیل شده است. از آن‌جایی که مواد اولیه‌ی تولید اسانس از گیاهان گرفته می‌شود، این علم در زیرشاخه‌ی گیاه درمانی قرار می‌گیرد و هم‌ردیف هومیوپاتی و درمان با گل است. «رایحه‌درمانی» نوعی درمان مبتنی بر کاربرد اثر شفابخش عصاره‌ی روغن‌های پایه‌ی (روغن عصاره‌ای، روغن‌های اسانس) گیاهان یا درختان یا حتی جانوران در درمان بیماری‌هاست.

در عهد باستان از رایحه‌ی خوش گل‌ها و گیاهان

² Aroma

³ Therapy

¹ Aromatherapy

اما تاریخ حقیقی استفاده از عطر به زمان سلطنت کوروش کبیر مربوط می‌شود که مو و ریش افراد صاحب منصب و عالی‌رتبه با روغن‌های خوشبو مجعد شده و آرایش می‌شده است. همچنین، مستندات در مورد وجود ۴۰ عطرساز در اردوی شاهنشاهی داریوش سوم وجود دارد که این افراد وظیفه داشتند عطرهای متفاوتی برای بدن پادشاه بسازند. از جمله از عطری به نام Labyzos برای آراستن موهای خشایارشا بزرگ نام برده شده است (۷).

آغشتن تاج شاه و فرزندان او با روغن معطر «بان» در جشن‌های مذهبی برای تبرک از دیگر کاربردهای گیاهان معطر بود که در زمان اشکانیان رواج داشت. همچنین، از عطر برای تکمیل آرایش چهره‌ی زنان، شاهان و موبدان استفاده می‌شد. «شاه در هنگام تاج‌گذاری روغنی به بدنش می‌مالید که از بیست و هفت ماده‌ی گوناگون ترکیب شده بود» (۸).

خوشبوی کردن بدن، جامه و جای خواب با گلاب و دیگر مواد معطر از رایج‌ترین رسوم عصر ساسانی نیز برشمرده شده است. از سنت‌های دیگری که میان ایرانیان باستان رواج داشته، خوشبو کردن محیط زیست خاصه مکان‌های مقدس هم‌چون آتشگاه بوده است. در اوستا بخور دادن گیاهان خوشبو توصیه شده و از سوزانیدن چوب‌های بدبو پرهیز شده است. در وندیداد نیز به‌عنوان یک نبرد آیینی که یک زرتشتی یکتاپرست علیه دیوان و اهریمن انجام می‌دهد از آن یاد شده است و نیز «در بهرام یشت از دو نوع چوب به‌نام‌های هیرسی و تمدک که بدبوتر بوده و شایسته‌ی سوزاندن نیستند سخن رفته و سوزانیدن آن گناه بوده است» (۹).

در رساله‌ی خسرو قبادان وریدک نیز به گیاهانی نظیر گل سرخ، نرگس، کافور، سمن سپید، سمن زرد، سوسن سپید، بنفشه، شاسپریم، مورد، نیلوفر، مرزنگوش، پلنگ مشک، نسترن، منج نشکفته، یاسمن اشاره شده است و بوی هر یک به بویی تشبیه شده است؛ به‌طور مثال می‌گوید: «کافور را بوی چون بوی دستوری» و «سمن سپید را بوی چون فرزندان» است

استفاده‌های گوناگون می‌شد؛ از جمله در امور مذهبی و حتی رفع برخی بیماری‌های تنانی و روانی. امروز نیز در علم پزشکی از این فن به‌عنوان روشی در طب بهره می‌گیرند و برای درمان از مواد معطری استفاده می‌شود که حالتی مطلوب در بیمار ایجاد می‌کند و سبب درمانگری می‌شود (۲).

جایگاه بوی خوش در تاریخ ایران باستان

در دایره‌ی واژگان زبان ایران باستان در زبان پهلوی، از عطر با واژه‌ی (bōy) یا (bōyāg) یاد می‌کرده‌اند و مقصود از آن هر نوع ماده‌ای بود که دارای بوی خوش بوده است. اعم از عطر به‌معنای امروزی آن مثلاً در ترکیب نرگس بوی به‌معنای عطر نرگس یا بوی به معنای بخور. ترکیب واژگانی bōy vajarak نیز به‌معنای بخور است و واژه‌ی bōyenīdan به دو معنای عطرآگین کردن و بخوردادن و نیز بوی دادن است.

در زبان پهلوی هوبوییه (hū-bōyih) به‌معنای خوشبویی و خوشبوی و بوی خوش است و در مقابل آن گند^۱ به‌معنای بدبویی و بوی بد قرار دارد (۴).

در اسطوره‌های ایران باستان، نام جمشید به‌عنوان اولین فردی که عطر ساخت، ثبت شده است و تا این اندازه اطلاعات در دست است که مردمان نواحی فلات ایران به آرایش چهره و مو علاقه‌مند بوده و به روش‌های سوزاندن گیاهان خوشبو و استفاده از رایحه‌ی آن‌ها آگاهی داشته‌اند. همچنین، این مردمان از بخورهای دارای بوی خوش در آیین‌های مذهبی خود بهره برده‌اند. جمشید را به‌عنوان اولین کسی که پزشکی را معرفی کرد نیز می‌شناسند. به استناد شاهنامه آوردن بوی خوش، پزشکی و درمان و نیز معرفی الکل به نوع بشر نیز به جمشید نسبت داده می‌شود (۵).

به گفته‌ی هرودوت مغان دوره‌ی مادها، با تقلید از حمام‌های سکایی، در آیین‌های خود از بخار شاهدانه استفاده کرده و با استنشام آن بی‌قرار شده و به رقص و پایکوبی می‌پرداخته‌اند (۶).

^۱ Gand

(۱۰).

در گزیده‌های زاداسپریم نیز در توضیح دوازده مینو اشاره شده: «پس از این دوازده مینو هنرمندانه به هم ساخته شوند... از هرگونه گیاه پیکران، گل بوی، نهال و شکوفه برویند و بار دهند و پیش او در خانه‌ی آتش پیکر بدرخشند و بوی، همیشگی که از گیاهان خوشبوی است از آن بدمد» (۱۱) که به خاصیت الهی و آسمانی بوی خوش در آفرینش گیاهان اشاره دارد به طوری که خوش‌بویی مشک و کافور را به طور مستقیم از وجود خداوند می‌داند و در ستایش او در ارداویراف‌نامه‌ی منظوم آمده (۱۲):

ازو خورشید پوشد کسوت و نور ازو خوشبوی گردد مشک و کافور

بنداهش نیز یکی از نشانه‌های بزرگ‌کرداری ایزدان مینوی را داشتن بوی خوش می‌داند: «پیدا است که اگر آن روز جامه‌ای نیکو بدارند و بوی خوش بویند و مروای نیک کنند و در نشستن از جای ریمن و از مردم بد دور بوند و ... آن سال نیکویی بدیشان بیش رسد و بدی را از ایشان بیش دور سازد» (۱۳).

ارداویراف مقدس هنگامی که آماده‌ی سفر روحانی خود می‌شود پس از سر و تن شستن و جامه‌ی نو پوشیدن و بوی خوش بویدن و انجام دادن کارهای دیگر دینی، به بازدید از بهشت و دوزخ می‌پردازد. هم‌چنین، در بازدید خود زمانی که به مقام کدخدایان می‌رسد این‌گونه آن‌ها را در بوی خوش غرق می‌بیند (۱۲):

نشسته آن روان‌های نکوکار همه در چار بالش پادشه‌وار
به پیش قوم دربنهاده مجهر درو می‌سوختند از عود و عنبر

در حقیقت، «بوی خوش» نزد ایرانیان باستان، هدیه‌ای بوده از جانب یزدان برای انسان‌های شایسته، چنان‌که ضمن گزارش سفر ارداویراف مقدس به این اعتقاد اشاره شده و آمده است: «در سه دیگر بامداد روان آن مرد مقدس در بوی خوش حرکت کند و آن بوی او را شایسته‌تر آید که هر بوی خوشی که در نزد زندگان به بین برفته باشد از بوی از جنوب

از جانب یزدان باشد» (۱۴). در رساله‌ی مینوی خرد که به‌عنوان رساله‌ای اخلاقی - دینی شناخته می‌شود، در پرسش و پاسخی که بین مینوی خرد و دانا مطرح می‌شود در توصیف بهشت و رهسپاری روان به سوی گروتمان چنین عنوان می‌شود که: «چون از آن‌جا فراز روی، بادی خوش‌بو به پذیره‌اش آید که از همه‌ی عطرها خوش‌بوتر است. سروش مقدس به پارسایان پاسخ دهد که این باد از بهشت است که چنین خوش‌بوی است» (۱۵).

به اعتبار شاهنامه و بندهش، ایرانیان باستان علاوه بر این‌که بدن مردگان خود را به مشک آغشته و آن را خوش‌بو می‌ساختند در واقع آن‌ها را برای پذیرش نیکی‌ها و فرشتگان نیکی آماده می‌ساختند (۱۶).

بفرمود پس مشک و کافور ناب به قیر اندر آمیختن با گلاب
تنش را بیالود از آن سر به سر به کافور و مشکش بیانگد سر

در مورد مردگان نیز تأکید می‌شد که «اگر پرهیزگار است، بدان سخن، بادی تیز به پذیره آید؛ (بادی) بهتر و نیکوتر و خوش‌بوتر و پیروزگرت‌تر از همه‌ی بادهای به کیهان که روان شادی بخشد» (۱۷).

«گزنفون درباره‌ی استفاده‌ی ایرانیان از گیاهان معطر با گرفتن روغن و شیرهی آن گیاهان سخن به میان آورده است و می‌نویسد: آرایشگران، مو و ریش‌ها (شاه و صاحب منصبان دولتی) را مجعد و سپس با روغن‌های معطر و انواع مواد معطر روغن مالی می‌کردند» (۱۸). چنین به نظر می‌رسد که زنان هخامنشی نیز عطرها را مخصوص به خود داشتند. «برای همسر یهودی خشایارشا یعنی استر پیش از آن‌که برای اولین بار به حضور شاه بزرگ برسد، عطرها را گوناگون فراهم آوردند و مدت شش ماه با «مرمکی» تدهین شد و شش ماه مواد خوش‌بو و عطرها را ویژه‌ی بانوان را به کار برد» (۱۸).

هردوت در شرح لشکرکشی خشایارشا به یونان می‌نویسد: «چون ایرانیان آماده‌ی حرکت شدند به‌هنگام برآمدن خورشید

در وندیداد از بخوردادن به وسیله‌ی چوب‌های خاص برای پاک و ضدعفونی کردن سخن رفته و نام گیاهانی از قبیل اوروسا و هوگئون، و هوکرتی، هذائینا نیز آمده و چنین آمده که به هر طرفی که باد بوی آتشی را که در آن چوب‌ها می‌سوزد پراکنده کند از همان طرف ایزد آذریا دیوهای نهانی تیره‌نژاد را براند. ایرانیان باستان در سرودهای مذهبی خویش، گیاهان دارویی را می‌ستودند و بر این باور بودند که به یاری آن‌ها بیماری، تب، مرگ، پوسیدگی، گندیدگی (عفونت) و جادوان و پریان و دیگر آفریدگان اهریمنی که عامل این رنج‌ها بودند، نابود می‌شوند. آنان معتقد بودند که این گیاهان می‌توانند مزدپرستان را «نیرو و توان» ببخشند و در اوستا در سرودهای مذهبی خویش چنین شکوهمند از آن‌ها یاد می‌کنند: «همه‌ی گیاهان دارویی را با بزرگداشت و آفرین و نیایش، برای درمان تن مردمان فرا می‌خوانیم» (۹). به عبارتی دیگر، خداوند که خود منشأ خیر و در جایگاه معطر و خوش‌بوی به‌سر می‌برد آفریننده‌ی بوی خوش و مواد خوش‌بوی برای زدودن پلیدی و بیماری است. بدین‌گونه است که در متون باستانی از وی و نمایندگان وی چنین یاد می‌شود (۲۰):

همه تندرستی به فرمان اوست
 همه نیکویی زیر پیمان اوست
 ز خاشاک تا هفت چرخ بلند
 همان آتش و آب و خاک نژند
 به هستی یزدان گواهی دهند
 روان تو را آشنایی دهند
 دگر بوی‌های خوش آورد باز
 که دارند مردم به بویش نیاز
 چو بان و چو کافور و چون مشک
 چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب
 ناب پزشکی و درمان هر دردمند
 در تندرستی و راه گزند

در نتیجه، گیاهان و از جمله گیاهان معطر چالشگران با

بر پلی که بر هلسپونت زده بود، برگ مورد پاشیدند و انواع و اقسام بخور سوزانیدند» و هم‌چنین، به‌هنگام برشمردن خراج‌های ممالک به دربار هخامنشی می‌نویسد: «اعراب موظف بودند سالانه هزار تالانت (معادل ۲۴۳۰۰۰ لیره انگلیسی) «لبان» به ایران خراج دهند» (۱۹).

در نهایت این‌که به‌نظر می‌رسد جایگاه عطر و بوی خوش در نزد ایرانیان باستان جایگاهی رفیع بوده است چرا که این هدیه‌ی الهی را برای مردمان شایسته و بهشتیان خود لازم دانسته و در کنار این اعتقاد، از خواص مهم دارویی به‌ویژه ایجاد احساس آرامش در فرد استفاده‌کننده به‌خوبی آگاه بوده‌اند. به‌طور مثال، در ارداویراف‌نامه‌ی منظوم در توصیف بهشتیان آمده است (۱۲):

چنان پنداشم آن مرد دلخواه
 میان اسپرم رفتی همه راه
 چنان خوشبوی بود و نغز و دلکش
 که من بویی ندیدم همچنان خوش
 چو نزد پینودپول آمد آن راد
 ز سوی نیمروز آمد یکی باد
 نسیم بوی او از مشک و عنبر
 ز هر بویی که گویی بود خوش‌تر
 نیاسود از نسیم بوی او مغز
 میان باد دیدم صورت نغز

که بیت آخر به خاصیت آرامش دادن بوی حاصل از مشک و عنبر اشاره دارد.

کاربرد رایحه‌درمانی در ایران باستان

خوش‌بو ساختن هوا و محیط زندگی راهکارهایی بود که ایرانیان باستان به‌منظور زدودن ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها و هم‌چنین، برای درمان بیماران (رایحه‌درمانی) از آن استفاده می‌کردند. پلشت‌بری و دفع آلودگی‌ها از طریق ریختن مواد معطر در آتش ساده‌ترین کاری بوده که در گذشته توسط مردم و در محیط‌های متفاوت اجرا می‌شده است.

مدتی تحت انقیاد این دولت بودند) ویژگی گیاهان معطر را دانسته و از آن‌ها چه به صورت بخور، چه به صورت سیال درون عطردان‌ها استفاده می‌کردند.

گرچه استنباط هر فرد در برخورد با عنوان رایحه‌درمانی، درمان مستقیم با استفاده از رایحه‌ها است، باید دانست آنچه در گذشته و امروز موضوع علم رایحه‌درمانی قرار گرفته، استفاده از بوی خوش مواد درمانی در کنار سایر خواص آن‌هاست.

به‌طور مثال، هنگامی که دوغدو مادر زرتشت احساس بیماری می‌کند و نگران از دست دادن فرزند خویش است و تصمیم دارد به جادوگران مراجعه کند به او گفته می‌شود: «تا دست برشویید و هیزم برگیرد و روغن گاو و بوی خوش بر آتش نهد و روغن را بر شکم بمالد و بر آن بوی خوش بسوزاند و در بستر بیارامد تا او و فرزندش از بیماری رهایی یابند، دوغدو چنین کرد» (۲۳).

در مقابل استفاده از رایحه‌ی خوش داروها در درمان بیماری‌ها برخی از پزشکان نیز با استفاده از بوی بد برخی مواد به اقداماتی درمانی دست زده و با آن سعی در رفع بیماری داشته‌اند. در تمدن‌های نخستین بین‌النهرین و پس از آن نیز پزشکان روحانی در کنار اقداماتی نظیر جگربینی (یکی از روش‌های پیش‌گویی در عهد باستان این بوده که حیوانی (معمولاً گوسفند) را با آداب و رسوم قربانی می‌کرده‌اند و از روی شکل اعضاء درونی‌اش (بیش‌تر جگر و قلب) پیش‌بینی می‌کرده‌اند که چه اتفاق خوب یا بدی در آینده خواهد افتاد. برای اعتراف به گناه بیمار، تسخیر اجنه، نقاب زدن و... «پر یا یشم می‌سوزاندند تا بوی نامطبوعی منتشر شود» و این بوی نامطبوع سبب خروج بیماری‌ها از بدن بیمار می‌شد. هم‌چنین، «در بعضی مواقع امکان داشت کاهن از سم مار، چربی فاسد و بوگرفته، ادرار و مدفوع، کیسه‌ی صفرای گوساله یا خوک و سایر کثافت‌های گوناگون برای این منظور استفاده کند؛ چنین به‌نظر می‌رسد که این مواد بدبو و تهوع‌آور سبب از بین رفتن

اهریمن و آفریدگان او هستند. از همین روست که با سوزاندن بخور، نه تنها هوا را معطر، بلکه آن را ضدعفونی و پاک می‌کردند. افزون بر خاصیت دارویی گیاهان که از این طریق آدمی از شر بیماری‌های اهریمن آفریده در امان ماند، گیتی از عطر گیاهان است که خوش‌بوی و مناسب برای زیستن آدمی می‌شود و بهشت نیز از بوی گیاهان است که دارای بویی خوش و گواراست.

در ایران باستان افزون بر رفع بیماری‌ها از رایحه‌ی خوش برای ضدعفونی کردن و پلشت زدایی بسیار بهره گرفته می‌شد و در واقع برای آلوده نکردن محیط زیست ایرانیان باستان آیین‌ها و قوانین مذهبی گوناگونی داشتند که باید توسط همه‌ی افراد جامعه انجام می‌گرفت و خودداری از انجام این امور کیفر داشت. در فرگرد ششم و نندیداد (بخش یکم، بندهای ۱ تا ۲۵) درباره‌ی زمینی که لاشه‌ی مردار در آن افتاده باشد، آمده است که تا یک سال نباید در آن زمین کشت کرد و بذرافشانند و آب روان کرد. پادافره (کیفر) این کار و هم‌چنین، کسی که سگان یا مردگان مرده بر زمین بیندازد سنگین و سخت است (۲۱).

بنابراین، برای پاک کردن محیطی که لاشه‌ی مرده‌ای (سگ یا انسان) بر آن افتاده باشد ابتدا لاشه یا جسد را از محیط بیرون برد و سپس محیط را با گیاهان خوش‌بوی هم‌چون «اورواسنی»، «وهوگن» و «وهوکرتی» یا «هدانپتا» یا هر گیاه خوش‌بوی دیگری، خوش‌بوی کرد (۲۲). و برای پلشت‌زدایی منزل و دور کردن پلیدی نیز از دود این گیاهان خوش‌بوی می‌توان بهره برد (۱۹).

افزون بر مطالب و مباحث عرضه شده در متون مذهبی، در دوران‌های تاریخی نیز گزارش‌هایی توسط مورخان مبنی بر بهره‌گیری از رایحه‌درمانی به‌منظور پلشت‌بری و درمانگری ضبط شده است. در آغاز هم‌چون اقتباساتی که دولت‌های ایرانی (آریاییان) از دیگر ملل و اقوام دور و نزدیک کردند، ماداها نیز به تاسی از دولت‌های بین‌النهرین (به‌ویژه آشور که

یا زخم نیز نوعی از رایحه درمانی به شمار می‌آید. شیوه‌ی مالیدن این روغن‌های معطر که در منابع پزشکی قدیم با واژه‌ی تدهین به آن اشاره شده است به گونه‌ای است که روغن، از میان پوست به درون جریان خون جذب می‌شود. روش‌های دیگری نیز برای استفاده از خواص داروهای معطر در کتاب‌ها مورد اشاره قرار گرفته از جمله گرد یا پودرهای معطر، عصاره‌های مقطر معطر (تقطیرکردن)، بخورهای معطر (به دو شیوه‌ی بخور خشک و مرطوب).

هم‌چنین، روغن‌های معطر و در نهایت جوشانده‌ها و دم‌کرده‌های معطر در روش‌های درمانی چون نوشیدن، خوردن، مالیدن، تزریق، بویدن، لیسیدن، بلعیدن، حقه‌کردن، بخوردادن استفاده می‌شده است.

اما در مورد مواد معطری که در گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند در بندهش فهرستی از این گیاهان معطر آورده شده است. - در موضوع آفرینش گیاهان- هرچه را ریشه با پوست یا چوب بویا است، چون کندر، راش، کوست، صندل، پلنگ مشک، کاکوله، کافور، بادنج بوی و دیگر از این گونه، بوی‌دار خوانند (۱۳).

در درمان از طریق بخور دادن، دو نوع گیاه بیش‌ترین استفاده را داشته‌اند. کاویانی پویا این دو گیاه را کندر و عود معرفی کرده و معتقد است: کندر معمولی که صمغ گیاهان نوع ژوتی پروس است، در اوستا با نام وهوگئونه و در پهلوی وهوگون آمده است و عود، در اوستا وهوکرته و در پهلوی هوکرت نامیده شده است (۱۸).

اورواسنه، هذائپتا و وهوکرته گیاهانی هستند که جزو گیاهان خوش‌بو و بخور به‌شمار رفته و ظاهراً دود و بوی این گیاه باید ضدعفونی‌کننده و دورکننده‌ی حشرات باشد.

کاویانی پویا هم‌چنین، گیاهان دیگری را به‌عنوان داروها و گیاهان مورد استفاده در بخورها معرفی کرده و معتقد است: «سداب؛ گیاهی از تیره‌ی سدابیان است (rutracees)، آبتوس

اشتهای شیاطین می‌شده‌اند» (۲۴).

در دوران اسلامی میراث و روش ایرانیان در خوش‌بوی ساختن محیط برای رفع پلشتی‌ها و زدودن برخی بیماری‌ها و عوامل بیماری‌زا تداوم یافت و برخی پزشکان ایرانی همان شیوه‌ها را در راهکارهای درمانی به‌کار گرفتند. علت رواج این روش مکمل درمانی را می‌توان پیروی از سنت گذشتگان در استفاده از داروهای معطر دانست. در واقع، به‌دلیل اهمیت رایحه‌درمانی و بوی خوش در ایران باستان است که بخش‌های گسترده‌ای از کتاب‌های پزشکان و داروسازان بعد از اسلام، چه در سده‌های نخست و چه در سده‌های شکوفایی علمی، به داروهای معطر و روش‌های مرتبط با رایحه‌درمانی اختصاص داده شده است (۲۵).

روش‌های درمانی و مواد معطر مورد استفاده در ایران

باستان

باور به‌وجود طبایع چهارگانه یا چهار آخشیج در بدن، بخش مهمی از پزشکی دوران باستان را تشکیل می‌دهد. در واقع، به هم خوردن تعادل این چهار آخشیج پدیدآور بیماری در بدن انسان دانسته شده و پزشکان با استفاده از داروها و روش‌های مختلف درمانی سعی در بازگرداندن این تعادل داشته‌اند؛ بنابراین، استفاده از گیاهان به شیوه‌های مختلف، با شناختی که پزشک از بیماری فرد داشت، می‌توانست در کار درمان به‌طور بسیار کارآمدی مؤثر واقع شود (۱۸).

عطریات به‌دلیل تنوع طبایع آن‌ها خواص دارویی فراوان و متفاوتی دارند. پزشکان و داروسازان ایرانی، باتوجه به این خواص دارویی متنوع و متفاوت و بسته به نوع بیماری، این مواد را در ترکیبات دارویی مختلف، با میزان متفاوت به‌کار می‌بردند (۲۵).

روش‌های استفاده از این گیاهان در گذشته متفاوت بوده و در هر روش تلاش می‌شد از دارو به بهترین شکل استفاده شود. مثلاً بویدن فقط یکی از شیوه‌های درمان با این روش است زیرا مالیدن روغن‌های معطر بر محل درد

دسته‌ی اول گیاهان دارویی که خاصیت ضد عفونی و پلشت‌بری دارند نظیر کندر (وهوگونه)، راسن (اورواسنا/پیلگوش)، آویشن، سداب، آبنوس، آنقوزه، شاهدانه سیاه جنگلی، ریحان (شاه اسپرغم)، ارقیطون، اسطوخودوس/سارطس، میخک، هوم، بهمن/ بهن (behen):

دسته‌ی دوم گیاهان دارویی که در رایحه‌درمانی و گندزدایی مورد استفاده قرار می‌گیرند و بوی خوش آن‌ها مورد توجه است مانند راش، کوست، صندل، پلنگ مشک، کاکوله، کافور، بادنج بوی، مرّ، آگر(وهوکرته)، شاهبوی، دانه‌ی بان (تخم غالیه)، بادروج (ریحان اقیمون)، ارماک، بسفایج، گیاه بنفشه؛

دسته‌ی سوم گیاهانی که جنبه‌ی هوشبری و خلسه‌آوری آن‌ها در زمان باستان مورد تأکید بوده است که از این گروه می‌توان بنگ/ شاهدانه، شائنه، غنانه، فراسپاته، پادزهر/ تریاق/ تریاک، افیون، ملن مدیکا و هوم/هئوما را نام برد که در متون پهلوی به آن‌ها اشاره شده است (۱۸).

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی متون گذشته نشان از اهمیت رایحه‌درمانی و استفاده از بوی خوش در تاریخ ایران دارد. ایرانیان باستان در خانه‌های خود برای دور کردن آلودگی و هوای بد، مواد معطر می‌سوزاندند و برای تسریع در بهبود بیماران خود محیط بستری آن‌ها را از عطر خوش می‌آکنند و چون در اعتقادات گذشته مؤمنین به مبارزه با پلشتی‌ها توصیه شده‌اند هر فرد از وظایف خود می‌دانست در خانه‌ی خود با بوی خوش پلشت‌بری کند.

هرچند بسیاری از روش‌های نوین رایحه‌درمانی از جانب دنیای غرب به دنیای پزشکی معرفی شده است، ریشه‌ی این روش‌های درمانی در تمدن‌های باستان است. تمدن‌هایی مانند ایران که با اعتقاد به جایگاه هوا به‌عنوان یکی از چهار آخشییج تمام تلاش خود را به‌کار می‌گرفته‌اند تا این عنصر نه تنها آلوده نشود بلکه با خوشی و بویی خوب در بهبود زندگی

(Ebene)، آنقوزه (Aesa Fetida) نیز از جمله گیاهانی بودند که در بخوردادن مورد استفاده قرار می‌گرفتند. از آنقوزه برای آسانی تنفس و نیز از تخم‌های آن به‌عنوان چاشنی برای بوی خوش دهان نیز استفاده می‌شده است (۱۸).

از دیگر گیاهان دارویی که در ایران باستان رایج بوده و از طریق پزشکان گندی شاپور و مکتوبات ایشان از آن‌ها باخبریم عبارتند از ارقیطون که به گفته‌ی نویسنده‌ی قرابادین کبیر، گیاهی است که آن را ارقیطون و ارقیسون هم نامند و برگ‌های آن هم‌چون برگ کدو بوده و برای درمان بیماری‌های دهان و دندان و هم‌چنین، برای درمان برخی از بیماری‌های سینه سودمند است. اسطوخودوس، سارطس، اسطوخودوس، نیز گیاه دارویی سودمندی برای درمان انواع جنون، مالیخولیا، غم و اندوه، صرع سودایی، لرزش اندام‌ها و بیماری‌های وسواس سودایی دارد و افیون نیز از قوی‌ترین داروهای تسکین‌دار است و از شیرهی خشخاش سفید و سیاه به‌دست آمده است (۱۸).

دیگر گیاهان دارویی گندزدا که خوش‌بوکننده‌ی دهان نیز بودند شاهدانه‌ی سیاه جنگلی است. گیاهان دیگر از این قبیل عبارتند از مورد، شاهسپریم (اسپریم) که صورت‌های سپرم، شاه اسپرم، شاه اسپرغم، شاه اسفر هم آمده که همان ریحان است. دیگر داروی مورد استفاده در گذشته که کاویانی پویا در کتاب تاریخ پزشکی باستان از آن یاد کرده است، بنگ است که در شاهنامه‌ی فردوسی نیز به‌عنوان داروی هوشبری مورد استفاده قرار گرفته است.

تفکیک وظایف یا اثر داروهای معطر امکان‌پذیر نیست چرا که تمام خواص داروها در گذشته به روش‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفته است و ممکن است در کنار خاصیت بوی خوش یک دارو، خاصیت دیگرش نیز مد نظر باشد. اما طبق تقسیم‌بندی برخی پژوهش‌ها، می‌توان گیاهان دارویی معطر مورد استفاده در ایران باستان را این‌گونه از هم تفکیک کرد:

ایرانیان هم‌چنین، برای درمان بیماری‌های خود اولویت را بر استفاده از داروهای معطر گذاشته و از خاصیت درمانی آنها اطلاع داشتند. آگاهی از منشأ گیاهی و نیز حیوانی داروهای معطر نشان از گستردگی این علم در گذشته دارد.

موثر واقع شود. اعتقاد به الهی بودن بوی خوش و خوشبو بودن بهشت خداوند، اهمیت ویژه‌ی خوشبویی را در نزد ایرانیان باستان بیش‌تر ساخته و آنان را ترغیب می‌ساخت تا خانه، کاشانه، موی و روی خود را معطر نگاه‌دارند.

منابع

- 1- Keegan L, Rosen S, Messervy L. Holistic nursing in New Zealand. *J Holist Nurs* 1994; 12(3): 343-9.
- 2- Kevill K. *The Little Book Of Aromatherapy*. Translated By Khanlari H. Tehran: Elm; 2013, p. 7-15. [in Persian]
- 3- Mohagheghzadeh A, Zargaran A, Daneshamuz S. Cosmetic sciences from ancient Persia. *Pharm Hist (Lond)* 2011; 41(2): 18-23.
- 4- Mackenzie DN. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press; 1971, p. 200.
- 5- Elgood CA. *Medical History of Persia and The Eastern Caliphate From The Earliest Times Until The Year A.D 1932*. Tehran: Amirkabir; 1977, p. 19. [in Persian]
- 6- Khodadadian A. [Tarikhe Irane Bastan]. Tehran: Esalate Tanshir; 1997, p. 64. [in Persian]
- 7- Briant P. *From Cyrus to Alexander: A History of The Persian Empire*. Translated By Forughan N. Tehran: Akhtaran; 2008, p. 634. [in Persian]
- 8- Bahar M. [Az Ostooreh Ta Tarikh]. Tehran: Cheshme; 1997, p. 92. [in Persian]
- 9- Bahar M. [Pajoohesi Dar Asatire Iran]. Tehran: Agah; 1996, p. 410. [in Persian]
- 10- Oryan S. [Matnhaye Pahlavi]. Tehran: Elmi; 2012, p. 78-79. [in Persian]
- 11- Mohassel R. [Gozidehaye Zatesparam]. Tehran: Cultural Research and Studies Institute of the Ministry of Culture and Higher Education; 1987, p. 51. [in Persian]
- 12- Zartosht B. [Ardavirafnameye Manzoom]. Mashhad: Mashhad University; 1964, p. 1-64. [in Persian]
- 13- Bahar M. [Bondahesh Faranbagh Dadegi]. Tehran: Toos; 1990, p. 116. [in Persian]
- 14- Yesemi R. [Ardavirafnameh]. Tehran: Institute For Humanities and Cultural Studies; p. 14. [in Persian]
- 15- Minooye Kherad. Translated By Tafazoli A. Tehran: Toos; 1985, p. 13. [in Pahlavi]
- 16- Ferdowsi A. [Shahnameh]. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia; 2007, p. 157. [in Persian]
- 17- Bahar M. [Asatire Iran]. Tehran: Iranian Cultural Foundation; 1937, p. 226. [in Persian]
- 18- Kavyani Puya H. [Tarikhe Pezeshki Iran Bastan]. Tehran: Al-Maei; 2014, p. 214-20. [in Persian]
- 19- Orang SM. [Yekta Parasti Dar Irane Bastan]. Tehran: Publications and Cooperation Staff; 1955, p. 335-7. [in Persian]
- 20- Ferdowsi A. [Shahnameh Ferdowsi]. Translated by Akbarian Rad A. Tehran: Elham; 2006, p. 40. [in Persian]
- 21- Doostkhah J. [Avesta Ba Kohantarin Soroodha Va Matnhaye Irani]. Tehran: Morvarid; 2013, p. 719-23. [in Persian]
- 22- Poordavood E. [Vandidad]. www.tarikhema.net (accessed in 2015) [in Persian]
- 23- Amuzegar J, Tafazzoli A. [Ostooreye Zendegeye Zartosht]. Tehran: Babol Welovemazda Community; 1991, p. 41. [in Persian]
- 24- Gerhard V. *Five Thousand Years of Medicine*. Translated By Agah S. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 1987, p. 17. [in Persian]
- 25- Ansari S. [Tarikhe Atr Dar Iran]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2002, p. 173-265. [in Persian]

A review of aromatherapy in ancient Persia

Samaneh Al-Sadat Maleksabet^{*1}, Hamid Kavyani Pooya²,
Mohammadhasan Najafi³, Azam Seiamak Dastjerdi⁴

¹*School of Traditional Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;*

²*Assistant Professor, Bahonar University, Kerman, Iran;*

³*PhD Student of Traditional Medicine, School of Traditional Medicine, Shahid Sadooghi Yazd University of Medical Sciences, Yazd, Iran;*

⁴*Faculty of Literature, University of Shahrekord, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.*

Abstract

Aromatherapy is a form of alternative medicine that is now widely practiced throughout the world. Medical history studies indicate the popularity of aromatherapy in ancient civilizations such as Persia as a method of decontamination and treatment.

The present study uses religious texts, ancient Persian manuscripts in the Pahlavi language, and the history of Persia to confirm the status and application of aromatherapy as a method of treatment in ancient Persian medicine.

In ancient Persia, illness was perceived as a product of evil. Ahriman and Ganak Mainyu were the main causes of diseases, often associated with foul odors and filth. Thus, ancient Persians tried to cure illnesses by using herbs and applying certain principles of hygiene.

Evil, foul odors and stale air were believed to transmit diseases, while ahuric divinities were associated with sweet smells. Therefore, fragrances were used in keeping with the divine forces, and aromatic substances, herbs and woods were employed as a means of prevention to eliminate the causes of illnesses, and as a cure for certain mental and physical diseases.

Keywords: aromatherapy, fragrance, perfume history, Pahlavi texts, ancient Persia

*Email: samamalek@gmail.com